

دانشگاه بین‌المللی امام خمینی



IMAM KHOMEINI
INTERNATIONAL UNIVERSITY

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
دانشکده علوم اجتماعی
گروه علوم سیاسی
پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

عنوان:

تاثیر جهانی شدن بر فرایند مشارکت سیاسی در ایران بعد از انقلاب اسلامی

استاد راهنما: دکتر محمد رحیم عیوضی

استاد مشاور: دکتر بهرام نوازی

پژوهشگر: ام‌البنین قربانلو

زمستان ۱۳۸۸

تقدیر و تشکر

سپاس بی‌کران پروردگار یکتا را که به ما هستی بخشید و به طریق علم و دانش رهنمونمان شد و به همنشینی رهروان علم و دانش مفتخرمان نمود و خوشه چینی از علم و معرفت را روزیمان ساخت. اکنون در آستانه راهی نو به پاس نعمات بی‌حد پروردگار بر خود لازم می‌دانم سپاسگزار پدر و مادر گرامی و نیز تمام عزیزانی باشم که در برابر سختی‌ها و ناملایمات روزگار یاریم نمودند. همچنین شایسته است مراتب سپاس و قدردانی خود را خدمت استاد محترم راهنما جناب دکتر محمد رحیم عیوضی که در طول نگارش این رساله مرا از راهنمایی‌های ارزشمند خود بهره‌مند نمودند و استاد محترم مشاور جناب دکتر بهرام نوازی عرضه نمایم.

فهرست مطالب

۱----- طرح پژوهشی

فصل اول: کلیات مفهومی و نظری

بخش اول: کلیات مفهومی و تاریخی جهانی شدن

۵-----	مقدمه
۵-----	۱.تاریخچه جهانی شدن
۱۱-----	۲.تعریف جهانی شدن
۱۵-----	۳.ابعاد مختلف جهانی شدن
۱۵-----	۳-۱. بعد فنی و تکنولوژیک
۱۶-----	۳-۲. بعد اقتصادی
۱۷-----	۳-۳.بعد سیاسی
۱۷-----	۳-۳-۱. جهانی شدن و دولت – ملت
۱۸-----	۳-۳-۲.بازیگران جدید سیاسی
۱۸-----	۳-۳-۳. حقوق بشر
۱۹-----	۳-۳-۴. فرهنگ سیاسی نوین و خلق هویت های جدید
۲۰-----	۳-۳-۵. از بین رفتن مرزها و جهانی شدن دموکراسی
۲۰-----	۳-۳-۵-۱. مدل های نوین دموکراسی پس از جهانی شدن
۲۳-----	۴.رابطه جهانی شدن و شهروندی

بخش دوم: کلیات مفهومی و تاریخی مشارکت سیاسی

۱. مفهوم شناسی مشارکت: ویژگی ها و مولفه ها

۲۷-----	۱-۱. مفهوم مشارکت
۳۱-----	۲-۱. مراحل مشارکت
۳۲-----	۳-۱. انواع مشارکت

۳۴	۱-۴. ویژگی های مشارکت کارآمد
	۲. نظریه های کاربردی مشارکت
۳۵	۱-۲. تبیین نظریه های مشارکت
۳۵	الف) نظریه های ابزاری مشارکت
۳۶	ب) نظریه تکاملی
۳۶	۳. نگاهی به مقوله مشارکت در دنیای امروزی
۴۲	۱-۳. مشارکت و دموکراسی
۴۳	۲-۳. نظریه دموکراسی مشارکتی
۴۵	۳-۳. مشارکت، قدرت و شهروندی
۴۷	۱-۳-۳. مدل قدرت و نردبان آرنشتاین
۴۹	۴. مفهوم مشارکت سیاسی
۵۱	۱-۴. مروری بر تعاریف مشارکت سیاسی
۵۴	۵. تحولات فرهنگ سیاسی ناشی از جهانی شدن و تاثیر آن بر مقوله مشارکت سیاسی
۵۸	۶. الگو های مشارکت سیاسی متأثر از جهانی شدن
۶۱	۷. فرصت ها و چالش های مشارکت سیاسی ناشی از جهانی شدن

فصل دوم: انقلاب اسلامی ایران و جهانی شدن

بخش اول: انقلاب اسلامی ایران و تحولات سیاسی و اجتماعی آن

۶۴	مقدمه
۶۵	۱. تاریخچه مشارکت سیاسی در ایران
۶۸	۲. شاخص های مشارکت سیاسی در ایران
۶۸	۱-۲. شرکت در انتخابات
۷۰	۱-۱-۲. مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری
۷۱	۲-۲. فعالیت حزبی
۷۲	۳-۲. همکاری داوطلبانه
۷۲	۴-۲. حضور در عرصه های سیاسی
۷۲	۵-۲. استفاده از رسانه

۶-۲. حمایت مالی در جنگ و حضور در جبهه های جنگ ----- ۷۲

بخش دوم: ایران و جهانی شدن

۱. ایران و جهانی شدن ----- ۷۴
۲. رشد آگاهی های جمعی و شکل گیری فرهنگ سیاسی نوین ----- ۷۸
۳. بررسی مقایسه ای فرهنگ سیاسی در دوره های مختلف پس از انقلاب اسلامی
- الف) فرهنگ سیاسی در دهه اول انقلاب (از ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۸) ----- ۸۴
- ب) فرهنگ سیاسی در دهه دوم انقلاب (از ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶) ----- ۸۶
- ج) فرهنگ سیاسی در دهه سوم انقلاب (از ۱۳۷۶ به بعد) ----- ۸۶
۴. بررسی مقایسه ای دوره های مختلف نظام سیاسی بعد از انقلاب اسلامی ----- ۹۰
- ۱- دوره نخست: از پیروزی انقلاب اسلامی تا پایان جنگ تحمیلی و ارتحال امام ----- ۹۱
- ۲- دوره دوم: از ارتحال امام خمینی در سال ۱۳۶۸ تا انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ ----- ۹۶
- ۳- دوره پس از انتخابات خرداد ۱۳۷۶ تاکنون ----- ۱۰۰

فصل سوم: تاثیر جهانی شدن بر روند تحولات مشارکت سیاسی در ایران

مقدمه ----- ۱۰۵

۱- چالش ها و فرصت های پیش روی مشارکت سیاسی در ایران با توجه به جهانی شدن

- الف) چالش های مشارکت سیاسی و جهانی شدن ----- ۱۰۷
- ب) فرصت های پیش روی مشارکت سیاسی در ایران با توجه به جهانی شدن ----- ۱۱۱
- ۲- الگوهای مشارکت سیاسی در ایران و جهانی شدن ----- ۱۱۴
- ۳- بررسی روند مشارکت سیاسی در ایران با توجه به مکانیزم های آن و جهانی شدن
- الف) انتخابات ریاست جمهوری و تحولات آن ----- ۱۱۸
- ب) انتخابات مجلس ----- ۱۲۵
- ج) انتخابات شوراهای شهر و روستا ----- ۱۲۸

۱۳۰	-----	د) احزاب در ایران و جهانی شدن
۱۳۳	-----	ذ) رسانه ها در ایران و جهانی شدن
۱۳۸	-----	جمع بندی و نتیجه گیری
۱۴۲	-----	فهرست منابع

چکیده

امروزه تحولات گسترده در عرصه‌های مختلف با مفهوم جهانی شدن توصیف می‌گردند. این تحولات در حوزه سیاست، موجب شده که مشروعیت دولت‌ها به چگونگی ایجاد فضای دموکراسی بستگی زیادی داشته باشد؛ چرا که در جهانی شدن، آگاهی افراد، بواسطه تکنولوژی‌های ارتباطی افزایش یافته و به حقوق شهروندی خود بیشتر واقف گردیده‌اند. یکی از اجزای مهم شهروندی نیز، مشارکت سیاسی است. با توجه به این که وجود پهناوری مهمی از مشارکت سیاسی، به تنهایی تعیین‌کننده تحقق واقعی شهروندی و مشارکت سیاسی نمی‌تواند باشد، از این جهت، امروزه افزایش ژرفای دموکراسی که ناظر بر سطح آگاهی مشارکت‌کنندگان است، جزء دغدغه گروه‌ها و احزاب محسوب می‌شود. افزایش آگاهی و اطلاعات در اثر فرایند جهانی شدن، افراد را به این نتیجه رسانده که انجام امور، به تنهایی از عهده آنها برنیامده و بنابراین خواهان تشکیل گروه‌ها و احزاب شده‌اند. روندی که در ایران بویژه از سال ۱۳۷۶ به بعد بوضوح مشخص است و این روند منجر به تغییر فرهنگ سیاسی ایران در جهت فرهنگ سیاسی مشارکتی گردیده است. هر چند ورود نارسا و عقیم برخی مفاهیم سیاسی جدید با مهمترین منبع فرهنگ سیاسی که همانا ارزش‌های دینی است در تعارض بوده و در مواقعی نوعی مشارکت‌های سیاسی سکولاریستی را ترغیب کرده، اما با توجه به مستندات و شواهد و قوی بودن اعتقادات دینی نزد افراد، این مهم حاصل می‌شود که مشارکت‌های سیاسی در ایران بعد از انقلاب اسلامی به سمت خاص‌گرایی سوق یافته و نوعی الگوی مشارکت خاص خود (الگوی مشارکت متعهدانه) را بوجود آورده است. بر این اساس با بررسی مشارکت‌های مختلف صورت گرفته در ایران و مکانیزم‌های آن مشخص می‌گردد که علیرغم ترویج ارزش‌های غیردینی در خلال روند جهانی شدن، مشارکت‌های سیاسی در

ایران هیچگاه در جهت ارزش‌های غیر دینی و غربی نبوده و بلکه ضمن افزایش آگاهی افراد از حقوق خود و تمایل به مشارکت، افراد خواهان حفظ ارزش‌های بومی و مذهبی خود بوده‌اند.

واژگان کلیدی: جهانی شدن، فرهنگ سیاسی، فرهنگ سیاسی مشارکتی، مشارکت، مشارکت سیاسی.

- طرح پژوهشی

تعریف مسأله:

فرایند جهانی شدن، عامل بوجود آمدن تحولات بسیاری در ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و... بوده است و امروزه تمامی جنبه‌های زندگی انسانی را تحت تاثیر قرار داده است. این فرایند در ایران هم بی تاثیر نبوده و باعث تحولاتی گردیده است. جهانی شدن، حتی عمیق ترین تحولات اجتماعی و سیاسی را موجب شده است به طوری که این روند همگام با اطلاع رسانی به مردم در جوامعی که زمانی محدود و بسته بود، باعث سرنگونی دیکتاتوری های بسیاری شده است. دموکراسی که همواره از این محدودیت رنج می برد که آرزوی همیشگی خود؛ یعنی مشارکت مستقیم و بی واسطه مردم را دور از دسترس و غیر عملی می دید، اکنون با دنیای اطلاعاتی و ارتباطی جهانی، چشم انداز تحقق واقعی تشریک مساعی و مشارکت مستقیم هر انسانی را در هر کجای دنیا نشان می دهد و این آرزوی همیشگی را به واقعیت نزدیک ساخته است. جهانی شدن به فرهنگ های بومی و جهانی فرصت های مشارکت جدیدی بخشیده است. با توجه به اکثر بحث های جامعه شناسی که بر مطالعه گروه ها و روابط آنها استوار است، از دیرباز مشارکت، یکی از اساسی ترین صورت های روابط اجتماعی بوده است و به عنوان محورهای موضوعی در جامعه شناسی تلقی می شود. مشارکت فرایندی است که از طریق آن اجتماع، جماعت یا گروه ها به هم می پیوندند تا عملکرد مورد انتظار یا مورد نیاز را به اجرا در آورند و نیز فرایندی است که از طریق آن، شخصیت انسان ها شکل می گیرد و برای زندگی گروهی آماده می شوند. مشارکت طریقه زندگی است، نوعی روش زیستی است که جوانب اجتماعی و فرهنگی و روان شناختی دارد.

از این رو، در این پژوهش هدف آن است تا تاثیر جهانی شدن بر یکی از مهمترین کارکردهای اجتماعی؛ یعنی مشارکت سیاسی در ایران، در دوران بعد از انقلاب مورد بررسی و تحقیق قرار گیرد. در این پژوهش، جهانی شدن به عنوان متغیر مستقل و فرهنگ سیاسی به عنوان متغیر میانی و مشارکت سیاسی متغیر وابسته در نظر گرفته شده است.

از جهانی شدن تعاریف متفاوتی به عمل آمده است. تعریف اولیه و ابتدایی ما این است که جهانی شدن عبارت است از: فرایند فشردگی فزاینده زمان و مکان که بواسطه آن مردم دنیا کم و بیش و به صورتی نسبتاً آگاهانه در جامعه واحد جهانی ادغام می شوند. این فرایند از طریق ارتباطات و رسانه ها، کتب و مطبوعات و نظام آموزش و پرورش، باعث تحول در فرهنگ سیاسی و به تبع آن مشارکت سیاسی مردم گردیده

است. با توجه به جایگاه مشارکت در ایران و تجلی آن در انتخابات متعدد و سرنوشت ساز در ایران، بازتاب تحولات جهانی شدن در مشارکت ایران، مساله مهمی است که سوال مهمی را طراحی می کند.

طرح سؤال اصلی و سوال های فرعی تحقیق:

جهانی شدن چه تاثیری بر روند مشارکت سیاسی در دوران بعد از انقلاب اسلامی بر جای گذاشته

است؟

سوالات فرعی:

۱- جهانی شدن به چه معناست؟

۲- مشارکت سیاسی چیست؟

۳- الگوهای مشارکت سیاسی متأثر از جهانی شدن کدامند؟

۴- جهانی شدن چه چالش ها و فرصت هایی را در برابر فرایند مشارکت سیاسی قرار داده است؟

۵- معیارهای افزایش سطح کیفی مشارکت چیست؟

فرضیه اصلی تحقیق :

جهانی شدن به عنوان یک پروسه موجب گسترش فرهنگ سیاسی مشارکتی، تشدید چالش های سیاسی و افزایش فرصت های پیش روی مشارکت سیاسی گردیده است که این روند، در دوران بعد از انقلاب منجر به افزایش سطح کیفی مشارکت سیاسی شده است.

سوابق پژوهشی موضوع :

بحث جهانی شدن، روند متداول دنیای کنونی است. کتاب ها و مقالات بی شماری در این زمینه نگاشته شده است که هر یک از زوایای خاصی به این مسئله پرداخته اند. در مورد رابطه این پدیده و تاثیرات آن

در ایران نیز کتب و مقالاتی به رشته تحریر در آمده است. به عنوان مثال، کتاب انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران در بازتاب فرایند جهانی شدن از دکتر حسین پوراحمدی که به رابطه گفتمان های سیاسی موجود در ایران و جهانی شدن پرداخته است و یا کتاب جهانی شدن و دموکراسی در ایران از مسعود شهرام نیا، هرچند نویسنده تا حدودی به نسبت موضوع کتاب به بحث مشارکت سیاسی و جهانی شدن پرداخته؛ اما با توجه به دیدگاه موجود در این رساله این امر کافی به نظر نمی رسد و یا کتاب ایران، چالش ها و راهکارها و جهانی شدن از محمود سریع القلم به صورت ارزشی به موضوع نگرینسته و حالت تجویزی دارد. کتاب انقلاب اسلامی و چالش های جهانی شدن فرهنگ از ابوالقاسم صیادی به بررسی تغییرات فرهنگ عمومی و ویژگی های فرهنگ ایرانی پرداخته است. در مجموع با رجوع به متون موجود به نظر می رسد، در مورد آثار جهانی شدن با تاکید بر مسئله مشارکت سیاسی ایران، مطالعات اندکی صورت گرفته است. در واقع بررسی نسبت بین جهانی شدن و مشارکت سیاسی (به طور اخص) موضوع جدیدی می باشد.

بیان روش و مراحل انجام کار تحقیق :

روش جمع آوری اطلاعات این پروژه، بصورت گردآوری اطلاعات و داده‌ها از منابع مختلف که شامل پایگاه‌ها و بانک های اطلاعاتی، فصلنامه ها و نشریات، متون و کتاب های موجود در کتابخانه ها و استفاده از آمار و ارقامی که در تحقیقات کتابخانه ای وجود دارد، می باشد و روش تجزیه و تحلیل اطلاعات آن، به صورت توصیفی - تحلیلی می باشد. سازماندهی این رساله در سه فصل انجام پذیرفته است. فصل اول شامل دو بخش است که در بخش اول، مفاهیم و کلیاتی راجع به مفهوم جهانی شدن، تعاریف جهانی شدن، تاریخچه آن، ابعاد جهانی شدن و... بحث شده است و در بخش دوم، مفهوم مشارکت و مشارکت سیاسی، نظریه‌های مشارکت، مراحل و انواع مشارکت، رابطه مشارکت و شهروندی و دیگر مسائل مرتبط بحث شده است. فصل دوم نیز شامل دو بخش است که در بخش اول، به بحث راجع به پیرامون مشارکت سیاسی در دوران بعد از انقلاب و تاریخچه مشارکت سیاسی در ایران و مکانیزم های آن، پرداخته و در بخش دوم، مطالبی پیرامون ایران و جهانی شدن، تغییرات فرهنگ سیاسی ناشی از جهانی شدن در ایران و بررسی فرهنگ سیاسی ایران در دوره های مختلف بعد از انقلاب اسلامی و نیز به جهت روشن تر شدن اوضاع و احوال مشارکت سیاسی در بعد از انقلاب اسلامی، دوره های گوناگون نظام بعد از انقلاب اسلامی با یکدیگر مقایسه شده است. در فصل سوم نیز با توجه به آثار و پیامدهای جهانی شدن سعی شده است تا به بحث راجع به مشارکت سیاسی و نحوه تاثیرپذیری آن از روند جهانی شدن در دوران بعد از انقلاب اسلامی، الگوی مشارکت سیاسی در ایران، پرداخته شود. سطح تحلیل ما نیز، سطح جامعه شناسی سیاسی است.

نتایج علمی قابل پیش بینی از تحقیق :

از آن جایی که نظام جمهوری اسلامی بر دو پایه جمهوریت و اسلامیت بنا گردیده است، بر این اساس، رکن جمهوریت نظام، لزوم مشارکت مردم در فرایندهای سیاسی را ایجاب می نماید. پس، مشارکت مردم نقش مهمی در تداوم و پایداری نظام ایفا می نماید. به عبارتی، اعتقاد به مشارکت سیاسی به مفهوم صحیح خود و التزام و تعهد عملی نسبت به آن می تواند به عنوان مهمترین رکن حافظ انقلاب اسلامی و تعیین کننده بقا و ثبات آن مورد توجه قرار گیرد. بنابراین، پرداختن به این مسئله که چه عواملی متاثر از جهانی شدن، باعث شدت و یا ضعف مشارکت سیاسی در ایران گردیده است، به نظر می رسد امر واجبی است که می تواند باعث یافتن راهکارهای لازم در جهت برطرف کردن موانع مشارکت سیاسی در ایران شده و به تبع آن ماندگاری و ثبات نظام را موجب شود.

فصل اول:

کلیات مفهومی و نظری

بخش اول: کلیات مفهومی و تاریخی جهانی شدن

مقدمه

جهانی شدن که متغیر اول این پژوهش را تشکیل می دهد، امروزه به یکی از اصطلاحات متداول در حوزه‌های مختلف تبدیل شده و ذهن بسیاری از پژوهشگران عرصه‌های سیاست، اقتصاد و فرهنگ را به خود مشغول داشته است. با تکیه بر اندیشه کسانی؛ مانند اولریش بک، آنتونی گیدنز، آلبرتو ملوسی و مارک پوستر می توان گفت که دوران معاصر، دورانی است که با ویژگی‌هایی از قبیل پیچیدگی، جهانی شدن و اطلاعات قابل تشخیص است. جهانی شدن، نماد پدیده‌های گوناگونی شده که پهنه گسترده‌ای از زندگی فردی و اجتماعی بشر را درنوردید. این تحول نه تنها در تغییرات کمی شاخص‌های فنی و اقتصادی؛ بلکه در تبدیل کیفی عناصر و فضاهاى فرهنگى و سیاسى نیز جلوه کرده است. در این پژوهش جهانی شدن به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده است. قبل از بیان تعاریف این مفهوم و اشاره به تعریف و مفهوم مورد نظر خود، تاریخچه این واژه را بررسی می کنیم.

۱- تاریخچه جهانی شدن

مفهوم جهانی شدن به معنای امروزی، از حدود ۱۹۶۰ در ادبیات علوم اجتماعی راه یافته است؛ اما آیا سابقه جهانی شدن و قدمت آن هم به همین چند دهه محدود می شود یا سابقه‌ای طولانی تر دارد؟ اگر جهانی شدن را به مفهوم عام آن در نظر بگیریم، باید دنبال سابقه‌ای بسیار طولانی تر از چند دهه یا چند سده اخیر برای آن باشیم. مالکوم واترز در بیان سابقه جهانی شدن سه احتمال زیر را بیان می کند:

- جهانی شدن، فرایندی است که از ابتدای تاریخ بشر وجود داشته و از همان زمان تاثیرات آن رو به فزونی بوده است؛ اما اخیراً شتابی ناگهانی در آن پدیدار شده است.

- جهانی شدن با نوگرایی و توسعه سرمایه داری هم زمان بوده است؛ اما اخیراً در آن شتابی ناگهانی به وجود آمده است. گیدنز از جمله افرادی است که اعتقاد دارد با شکل گیری مدرنیسم، جهانی شدن نیز آغاز شده است و این پدیده را چیزی جز گسترش مدرنیسم نمی داند. مارکس و انگلس، جهانی شدن را همزاد سرمایه داری و درک این فرایند را تابع شناخت تاریخ سرمایه داری می خوانند.^۱

۱. مالکوم واترز، جهانی شدن، ترجمه اسماعیل مردانی گیوی، تهران: سازمان مدیریت صنعتی، ۱۳۷۹، ص ۱۲

جهانی شدن برخلاف آنچه به نظر می‌رسد به ناگاه سر نزده است؛ بلکه بیش از آن که پدیده‌ای امروزی، ناگهانی و دور از انتظار باشد، پدیده‌ای تاریخی و مربوط به دوران مدرن است که از زمان طلوع نظام سرمایه‌داری و سپس انقلاب صنعتی در اروپا آغاز شده است.^۱

- جهانی شدن، فرایندی متاخر است که با سایر فرایندهای اجتماعی؛ نظیر فرا صنعتی شدن، فرانوگرایی یا شالوده‌شکنی سرمایه‌داری همراه بوده است.^۲

واترز سپس چنین نتیجه می‌گیرد که برخی ابعاد جهانی شدن، همیشه به وقوع پیوسته است؛ اما تا نیمه هزاره دوم، توسعه این ابعاد، پیوسته و منظم نبوده است. به نظر او، توسعه خطی جهانی شدن در قرون پانزده و شانزده؛ یعنی آغاز عصر جدید شروع شد. به این ترتیب، با پذیرش مفهوم عام جهانی شدن، ریشه تاریخی جهانی شدن به زمان دورتر و گاه حتی سابقه این پدیده، به تمدن‌های باستان برمی‌گردد. این ادعا با استناد به ماهیت اینگونه تمدن‌ها است؛ مبنی بر اینکه این تمدن‌ها به اقتضای منطق و ساختار درونی خود، تمدن‌هایی گسترش طلب بوده و همواره از لحاظ سیاسی، نظامی و فرهنگی گرایش به گسترش و جهان‌گیر شدن داشتند. حتی ادیان الهی که همواره داعیه‌ای جهان‌شمول داشته و بعضاً بنیان‌گذار تمدن‌های بزرگی بودند، بخشی از تاریخ جهانی شدن محسوب شده‌اند.^۳

نئومارکسیست‌هایی؛ چون گوندر فرانک و امانوئل والرشتاین، معتقدند جهانی شدن هنگامی آغاز شده که نطفه جهانی شدن بسته شده است و این موضوع به ۲۵۰۰ سال پیش از میلاد مسیح بر می‌گردد. آنها از پنج هزار سال تاریخ نظام جهانی و به تبع آن، پنج هزار سال تاریخ جهانی شدن سخن می‌گویند.^۴ اریک ولف* و ویلکینسون* از جمله نویسندگانی هستند که تاریخ جهانی شدن را ۱۵۰۰ سال پیش از میلاد و از مصر باستان و تمدن سومر؛ یعنی نخستین تمدن‌های باستانی می‌دانند. بعضی از صاحب‌نظران نیز تمدن شرق باستان و اسلام را نقطه آغاز جهانی شدن خوانده‌اند. بعضی هم، تلاش‌های مداخله‌گرانه مرکانتلیست‌ها در قرن ۱۶ میلادی و تحرکات کشورهای استعمارگر در قرن‌های بعد را، پرتو‌هایی از جهانی شدن محسوب کرده‌اند. بعضی مورخان اقتصادی آغاز جهانی شدن را سال

۱. ترکی حمد، فرهنگ بومی وچالش‌های جهانی، ترجمه ماهر آموزگار، تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۳، ص ۲۰

۲. واترز، پیشین، ص ۱۲

۳. امیر مسعود شهرام نیا، جهانی شدن و دموکراسی در ایران معاصر، تهران: نگاه معاصر، ۱۳۸۵، ص ۵۱

۴. حسین سلیمی، نظریه‌های گوناگون درباره جهانی شدن، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۴، ص ۲۱۰

* E. Wolf

* Wilkinson

۱۸۱۵ دانسته اند که در آن، یک رشته لشکرکشی ها در اروپا و آمریکا به وقوع پیوست. گروهی نیز دهه هشتاد قرن نوزده را که ملی گرایان افراطی پیشرفته به استعمار جوامع ضعیف می پرداختند، برهه‌ای مهم از جهانی شدن تلقی کرده اند.^۱ رابرتسون مراحل مختلفی را برای سیر جهانی شدن بر می شمارد:

۱. مرحله اول: مرحله نطفه ای که از اوایل قرن ۱۵ تا قرن ۱۸ در اروپا ادامه داشت و شامل رشد اجتماعات ملی و نزول نظام فراملی قرون وسطی، گستردگی حیطة کلیسای کاتولیک، نظریه خورشید محوری جهان، پیدایش جغرافیای جدید و گسترش تقویم گریگوری بود.

۲. مرحله دوم: آغاز جهانی شدن که از نیمه قرن هجدهم تا دهه هفتاد قرن نوزده ادامه یافت و شامل گرایش به ایده دولت واحد همگن، تبلور انگاره روابط رسمی بین المللی و فرد به عنوان شهروند، توجه به میثاق های بین المللی، ترازبندی موضوع ملی- بین المللی بود.

۳. مرحله سوم: مرحله خیزش که از ۱۸۷۰ شروع شد و تا دهه ۲۰ قرن ۲۰ ادامه یافت. در این دوره، گرایش های جهانی کننده پیشین به قالبی واحد و بازگشت ناپذیر شامل چهار مرجع اصلی جوامع ملی، فرد، جامعه بین المللی و نوع بشر تبدیل شده است.

۴. مرحله چهارم: مرحله مبارزه برای هژمونی که از نیمه دهه ۲۰ قرن ۲۰ شروع شد و تا اواخر ۱۹۶۰ ادامه یافت و شامل منازعه بر سر وضعیت مسلط جهانی، تاسیس جامعه ملل و بعد سازمان ملل، تثبیت استقلال ملل، جنگ سرد، تبلور جهان سوم و رقابت قدرت ها و... بود.

۵. مرحله پنجم: مرحله بلا تکلیفی که از اواخر ۱۹۶۰ شروع شد و از اوایل دهه ۹۰ قرن ۲۰، عوارض بحرانی در آن نمودار شد و شامل بالا گرفتن آگاهی نسبت به جهان، صعود به ماه، تحکیم ارزش های پست مدرنیسم، پایان جنگ سرد، رشد نظام ارتباط جمعی، تلاش برای تک قطبی شدن جهان و... بود.^۲

رخدادهایی؛ چون سقوط شوروی، فروپاشی دیوار برلین، ظهور اینترنت و پایان جنگ سرد در سال ۱۹۸۹، موجب شروع دوران جدیدی گردید که تحولات جهانی شدن را تسریع نمود. موج اخیر جهانی شدن، علاوه بر رشد و سرعت فزاینده، به لحاظ کیفی نیز کاملاً با امواج پیشین متفاوت است؛ چرا که امواج

۱. سلیمان ایران زاده، جهانی شدن و تحولات استراتژیک در مدیریت و سازمان، تبریز: ناشر مولف، ۱۳۸۰، ص ۲۹

۲. رونالد رابرتسون، جهانی شدن، تئوری های اجتماعی و فرهنگ جهانی، ترجمه کمال پولادی، تهران: نشر ثالث، ۱۳۸۰،

قبلی جهانی شدن غالباً بر پایه محوریت دولت - ملت بود؛ ولی موج اخیر با عبور از مرزهای دولت‌ها و با حضور بازیگران فراملی جدید است که قبلاً وجود نداشتند. توسعه ارتباطات، انقلاب اطلاعاتی، توسعه گسترده فناوری، افزایش مهاجرت‌ها، تحرکات سرمایه، افزایش تولیدات و مصرف، رشد جمعیت، کمبود منابع^۱ و... از جمله رخدادهایی است که به سرعت در حال وقوع است و به همین سبب، جهانی شدن در موج اخیر جدی‌تر و گسترده‌تر از امواج پیشین است. از جمله عوامل موثر بر موج نوین جهانی شدن عبارت است:

۱. توسعه فناوری، رشد علم و گسترش سریع دنیای ارتباطات که به واسطه پیشرفت‌های علمی، اکتشافات جدید و سرعت روزافزون توسعه دانش بشری در قرن بیستم و به ویژه چند دهه اخیر رخ داد، موجب کمک به تراکم و انسجام بیشتر دنیای بشر می‌شد.

۲. جهانی شدن بازارها و اقتصاد جهانی که خود مرهون افزایش چشمگیر تولید جهانی، توسعه صادرات، گسترش حمل و نقل دریایی و ریلی و... بود.

۳. جهانی شدن بسیاری از مسائل سیاسی و اجتماعی بشر؛ همچون مسائل مربوط به سیاره زمین اعم از مباحث زیست محیطی، جنگ‌های جهانی و... که به همه افراد بشر مربوط می‌شود یا مباحثی؛ چون حقوق بشر، تروریسم، توسعه و نابرابری، صلح و نظم و... که به دلیل اهمیت گسترده و فراملی، سبب رشد پدیده جهانی شدن گردید.

۴. شکل‌گیری برخی از نهادهای فراملی و پیمان‌های منطقه‌ای که به تجربه‌های موفق‌تری از همکاری فراتر از محدوده دولت - ملت‌ها مبدل شد؛ همچون پیدایش جامعه اروپا (۱۹۹۲)، پیمان تجارت آزاد امریکای شمالی (نفتا). حتی خود جامعه ملل و سپس سازمان ملل متحد از جمله عوامل موثر بر تقویت جهانی شدن محسوب می‌شود.

۵. برخی وقایع سیاسی یا اقتصادی خاص؛ همچون فروپاشی شوروی یا حتی اتفاقات مهمی؛ چون جنگ‌های جهانی دوم، مبارزه برای محو تروریسم و... همگی عواملی هستند که در مقاطع تاریخی خاص خود به تسریع روند جهانی شدن کمک کرده‌اند.

۱. ایران زاده، پیشین، ص ۳۱

۶. رشد دانایی بشر سبب شده که انسان بیش از پیش بر محیط و طبیعت اطرافش مسلط شده و بر صنعت و جنبه های دیگر زندگی بشر تاثیر گذارد و ارتباطش را تسهیل کند و بیش از پیش، حضور در دنیای متراکم را احساس کند. این مهم به رشد فرایند جهانی شدن کمک شایانی کرده است.^۱

به لحاظ واژه شناسی نیز اگرچه واژه گلوبال* به معنای جهانی، قدمتی بیش از چهار صد سال دارد؛ اما اصطلاحاتی نظیر گلوبالیزیشن*، گلوبالیزینگ*، گلوبالیز* از حدود ۱۹۶۰ رواج یافته است. فرهنگ وبستر برای نخستین بار در ۱۹۶۱، تعاریفی برای اصطلاح های گلوبالیزیشن و گلوبالیزم* ارائه داد. در فرانسه به عنوان معادل کلمه گلوبالیزیشن از کلمه ماندیالیزیشن* استفاده کرده اند و آلمانی ها به آن گلوبالیزیرانگ* می گویند.^۲

در سال ۱۹۶۲ واژه جهانی شدن در مجله اسپکتیتور* (به عنوان اولین مجله کثیر الانتشار) به کار برده و به عنوان مفهومی پیچیده معرفی شده است.^۳

در طول دهه هفتاد میلادی، واژه فوق به تدریج مورد استفاده محافل علمی و دانشگاهی قرار گرفت. در ۱۹۷۰، مارشال مک لوهان در کتاب "جنگ و صلح در دهکده جهانی" و برژینسکی در کتاب تالیفی خود درباره "نقش آمریکا در رهبری جهان"، از این اصطلاح استفاده کردند. از آن پس به مرور این

۱. شهرام نیا، پیشین، صص ۵۷ - ۵۵

- * Global
- * Globalization
- * Globalizing
- * Globalize
- * Globalism
- * Mondialisation
- * Globalisierung

۲. غلامرضا اسماعیلی، "جهانی شدن یا جهانی سازی؟"، ۸۵/۷/۲، در <http://www.glo110.blagfa.com>

* *Spectator*

۳. محمد نهبوندیان، متن پیشنهادی سیاست های کلی جمهوری اسلامی ایران در خصوص جهانی شدن، تهران: مرکز ملی

مطالعات جهانی شدن، ۱۳۸۵، ص ۱

واژه جواز ورود به رشته‌های مختلف را کسب کرد. در نیمه دوم دهه هشتاد میلادی، جهانی شدن به جامعه شناسی هم راه یافت تا زمینه تدوین نظریه‌های جامعه شناختی مستقل درباره این فرایند فراهم شود. به این ترتیب، امروزه مفهوم جهانی شدن در کانون اغلب بحث‌های سیاسی، اقتصادی و جامعه شناختی قرار گرفته است. در ایران هم از سال ۱۳۶۸ (۱۹۸۹) جهانی شدن مورد گفتگو قرار گرفته است و نویسندگان معادل‌های مختلفی را برای واژه گلوبالیزیشن در نظر گرفته‌اند که جهانی شدن رایج‌ترین آنهاست.^۱

در این میان، برخی با برجسته کردن نقش اراده و قدرت‌های خارجی در جهت دهی به این پدیده، تعبیر "جهانی سازی" را به کار برده‌اند. به نظر نمی‌رسد بتوان جهانی شدن را تابع خواست و اراده گروه یا افراد مشخصی دانست. جهانی شدن به عنوان پدیده‌ای گسترده و پیچیده، خارج از کنترل و اراده انسان‌ها، مسیر خود را طی می‌کند و علاقه و تمایل ما در توقف و ایجاد آن تاثیر چندانی ندارد. از این رو جهانی شدن، برخلاف امپریالیسم، توسعه و وابستگی، باید در یک وضعیت چند بعدی مورد توجه قرار گیرد. به عبارت دیگر عوامل تعیین کننده مختلفی در این جریان دخیل‌اند، عواملی از قبیل بازار، نظامی کردن، صنعتی‌گرایی، پدر سالاری، فن سالاری، آگاهی‌گرایی، نژاد پرستی و... بر این اساس، معتقدیم جهانی شدن یک واقعیت عینی است که در سراسر جهان روی داده است. این فرایند از تسلط دولت - ملت‌ها در کشورهای رو به پیشرفت بیرون است و بستر آن را دولت‌ها و شرکت‌های بین‌المللی بدون دخالت مستقیم آنها تعیین می‌کنند. در واقع جهانی شدن، یک برنامه دیکته شده و دستوری نیست که یک کشور یا چند کشور تصمیم گرفته باشند آن را پیاده کنند و به ثمر برسانند. جهانی شدن فرایندی آرام، طبیعی و خود به خودی است که بر اثر وجود عامل‌های بی‌شمار پدید آمده است و در پی خود، مولفه‌ها و تبعات مثبت و منفی بسیاری به همراه دارد. جهانی شدن، حاصل پیشرفت‌های دانشی و صنعتی است. در واقع فن‌گرایی و فناوری، جهانی شدن را شتاب بخشیده‌اند و چون فن‌مداری و فناوری در باختر زمین پدید آمده است، پس، جهانی شدن، باختری شدن جهان را به بلندای خود رسانده است. بر این اساس، هیچ کشوری در آینده نخواهد توانست با این پدیده به تقابل برخیزد و ویژگی‌های اجتماعی، سیاسی و... خود را با آن هماهنگ نکند و بدون نرمش‌پذیری نگه دارد؛ چرا که ارزش‌های فرهنگی و سیاسی جهانی شدن، موجب گرایش مردم به نخواستی در جامعه‌های گوناگونند.^۲

۱. فرهنگ رجایی، پدیده جهانی شدن وضعیت بشری و تمدن اطلاعاتی، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، تهران: نشر آگاه،

۱۳۸۰، ص ۱۲

۲. امیر آشفته‌تهرانی، جامعه‌شناسی جهانی شدن، تهران: دانژه، ۱۳۸۷، ص ۱۷

تکنولوژی نوین و انقلاب ارتباطات و تحولات کیفی، در جهان یکپارچگی پدید آورده است. یکپارچگی جهان به معنی یکسان سازی جهانی و یکنواخت کردن جهان نیست. گوناگونی و تفاوت و تنوع جهانی همچنان پایدار خواهد ماند؛ ولی جهانی شدن بر همه کشورها پرتاثیر خواهد بود و همه جامعه ها را زیر نفوذ خود قرار می دهد. به نظر امانوئل ریچتر: " شبکه های جهانی، مناطق جدا و از هم دورافتاده را در این کره خاکی به یکدیگر مربوط و وابسته کرده و باعث وحدت جهانی شده است."^۱

جهان گستری، یکپارچه‌گی جهان، فراگیر شدن جهان و سیاره ای شدن از دیگر کلماتی است که نویسندگان ایرانی در برابر واژه جهانی شدن آورده‌اند. در این پژوهش، واژه رایج تر جهانی شدن را به عنوان معادل گلوبالیزیشن* بر گزیده ایم.

۲- تعریف جهانی شدن

از جهانی شدن نمی توان تعریف روشن، جامع و دقیقی به دست داد و تحلیل این فرایند بسیار گسترده است. آنچه تعریف جهانی شدن را دشوار می کند، فرایندهای گوناگون و گاه متعارضی است که در آن وجود دارد. نوپا بودن مطالعات و نظریه پردازی های انجام شده درباره جهانی شدن از سویی و چند وجهی بودن و پیچیدگی این پدیده از دیگر سو، سبب شده تعریف‌های عرضه شده از جهانی شدن تنوع بسیار زیادی پیدا کند. تعابیر " فشرده‌گی جهان " یا " وابسته تر شدن بخش های مختلف جهان " یا " افزایش وابستگی و درهم تنیدگی جهانی " یا " فرایند غربی کردن و همگون سازی جهان "، از جمله تعریف های ارائه شده برای جهانی شدن است.^۲

باری آکسفورد: " جهانی شدن را اصطلاح شایسته ای می داند برای فرایندهای چند بعدی، از طریقی که نظام جهانی، خود و کردارش را شکل می بخشد."^۳

۱. به نقل از نهان‌اندیان، پیشین، ص ۲

* Globalization

۲. ماری گنو، چالش های جهانی شدن دموکراسی، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۸۰، ص ۴۴

۳. باری آکسفورد، نظام جهانی، اقتصاد، سیاست و فرهنگ، ترجمه حمیرا مشیر زاده، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و

بین المللی، ۱۳۷۸، ص ۲۰۹